



مفهوم فرجام‌ساز و کسب زمین موعود در یهودیت و مسیحیت

جواد قاسمی قمی*

چکیده

بازخوانی مفهوم «فرجام‌شناسی» و «سرزمین موعود» به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی در بحث آخرت‌شناسی ادیان ابراهیمی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. دو دین هم‌خانواده یهودیت و مسیحیت به دلیل آن که یکی برآمده از آمال موعودباورانه دیگری است، به این موضوع چون اصلی مهم در الهیات خود نگریسته و در آثار کلاسیک کلامی و الهیاتی خود بخش ویژه‌ای را به آن اختصاص داده‌اند. این مفاهیم چون در کتاب مقدس ریشه دارند، باید ابتدا برای درک آنها به عهد قدیم و عهد جدید مراجعه نمود. در کتاب مقدس تصویر تاریخی مناسبی از روند تطور این مفاهیم ارائه گردیده که هر یک از دو سنت یهودی و مسیحی تفاسیر خاص خود را برداشت کرده‌اند. به هر تقدیر فرجام‌شناسی و اعتقاد به موعود آخرالزمان و مسائل پیرامون از مسلمات الهیاتی دو دین است.

واژگان کلیدی

فرجام‌شناسی، سرزمین موعود، عهد قدیم و جدید، دوران پادشاهان، ملکوت خدا، نیل تا فرات، بازگشت دوباره مسیح.

مقدمه

منجی‌گرایی در دو دین ابراهیمی یهودیت و مسیحیت، چنان جای‌گاهی دارد که از مهم‌ترین آموزه‌های الهیاتی این دو دین هم‌خانواده به شمار می‌رود. کتاب مقدس به منزله سند گویای این بحث به استناد تفاسیر یهودی - مسیحی، تصویر روشنی از مباحث فرجام‌شناسانه این دو آیین در می‌افکند. این آموزه در مسیحیت که براساس تحقق وعده‌های مسیحایی در آیین یهودیت شکل گرفته و به نوعی برآمده از اندیشه یهودیان منتظر است، اهمیت الهیاتی فراوانی دارد.

این نوشتار برای آشنایی بی‌واسطه با این مباحث، به ترجمه دو مدخل از دایرةالمعارف آکسفورد کتاب مقدس (The Oxford Companion Bible) می‌پردازد. این دایرةالمعارف از مراجع معتبر در زمینه بیان آموزه‌های کتاب مقدس به شمار می‌رود. مدخل نخست با عنوان «Eschatology» به «فرجام‌شناسی» و مدخل دوم با عنوان «Promised land» به «سرزمین موعود» ترجمه شده است. نویسندگان این مقالات نخست با توجه به کتاب مقدس عبرانی یا همان عهد قدیم و سنت یهودی و در ادامه از منظر عهد جدید و سنت مسیحی به بازکاوی این موضوعات پرداخته‌اند.

الف) فرجام‌شناسی^۱

این آموزه درباره امر پایانی (فرجامین) است، مانند رستاخیز مردگان، داوری نهایی، پایان این جهان و آفرینش جهانی جدید. چنین فرجام‌شناسی که همه این ویژگی‌ها را دارد، فقط در اواخر ظهور دوره سنت کتاب مقدس پدید آمده است.

در گذر دوران پادشاهی بنی‌اسرائیل (۱۰-۶ پیش از میلاد)، برخی معتقد بودند که روزی فرزندی از ذریه داوود، همه دشمنان بنی‌اسرائیل را مغلوب خواهد کرد.^۲ آنان ظهور پادشاهی صالح و درست‌کار از نسل داوود را پیش‌بینی می‌کردند که پادشاهی و قلمروی رو به گسترش صلاح و صلح فزاینده را حکومت خواهد کرد.^۳ البته هیچ پادشاه اسرائیلی به این آرمان مسیحایی دست نیافت.

عاموس، پیامبر قرن هشتم پیش از میلاد، سقوط پادشاهی شمالی اسرائیل را با به‌کارگیری تصور «روز خدا» پیش‌گویی کرد. روز خدا به مثابه زمانی مفهوم بود که خداوند دشمنان بنی‌اسرائیل را شکست خواهد داد، اما عاموس این مفهوم و درون‌مایه را به یکی از احکام بر ضد بنی‌اسرائیل تغییر شکل داد.^۴ در واقع، روزی پروردگار دشمنش را شکست می‌دهد، اما آن روز قوم خودش دشمن او به شمار می‌رود.^۵

کتاب عاموس با وعده دوران جدیدی از رستگاری پس از زمان داوری پایان می‌پذیرد.^۶ بدین‌سان عاموس، نمونه‌ای از فرجام‌شناسی پیش‌گویانه بوده است. او منتظر پایان جهان بود، نه آن‌گونه که در ادبیات مکاشفه‌ای و فرجامین بعدی [ترسیم شده است]، بلکه پایان قوم بنی‌اسرائیل. افزون بر این پایان، جهان جدیدی وجود ندارد، بلکه دوران جدیدی از برکت و رحمت است.

در گذر دوران پادشاهی بنی‌اسرائیل (۱۰-۶ پیش از میلاد)، برخی معتقد بودند که روزی فرزندی از ذریه داوود، همه دشمنان بنی‌اسرائیل را مغلوب خواهد کرد.^۲ آنان ظهور پادشاهی صالح و درست‌کار از نسل داوود را پیش‌بینی می‌کردند که پادشاهی و قلمروی رو به گسترش صلاح و صلح فزاینده را حکومت خواهد کرد.^۳ البته هیچ پادشاه اسرائیلی به این آرمان مسیحایی دست نیافت

آشوریان، در سال ۷۲۲ پیش از میلاد، قلمرو شمالی و بابلان، در سال ۵۸۷ پیش از میلاد قلمرو جنوبی یهودیه را نابود کردند. پس از دوره‌ای تبعید و اسارت مردمان، زمزمه‌هایی جدید به گوش رسید؛ پیامبری ناشناخته معروف به اشعیای دوم،^۷ بازگشت شکوه‌مند یهودیان را به سرزمین وعده داد.^۸ حزقیال نیز زمانی را برای بازگشت یهودیان به خانه‌شان یاد کرده است:^۹ «رودخانه‌ای فراطبیعی از معبد بازسازی شده به آب‌های شور بحرالمیت جاری می‌شود و آن را به دریاچه گوارای آب شیرین تبدیل می‌کند؛ جایی که درختان شفافبخش رشد خواهند کرد.»^{۱۰} حزقیال تغییر و تحول یهودیه ویران شده را به بهشتی عدن و جدید^{۱۱} و نبردی فرجام‌شناختی را پیش‌بینی کرده که ملت‌ها و امت‌ها در آن بر ضد بنی‌اسرائیل گرد هم می‌آیند و خدا بر آنان مغلوب می‌شود.^{۱۲} یهودیان، هم‌زمان با پایان قرن ششم از اسارت رها شدند، اما به اسرائیلی برگشتند که اوضاع و شرایط آن با وضعیت ایده‌آل فاصله داشت. البته آنان دیدگاه پیش‌گویانه خود را نگاه داشتند. در دوران پس از اسارت، پیامبران حجی و زکریا به تجدید بنای معبد تشویق می‌کردند. آنان هم‌چنین امیدهای مسیحایی را با اطمینان دادن به ظهور «زربابل» زنده نگاه می‌داشتند، ذریه‌ای از نسل داوود بوده که گویا در انتظار فرمان‌روایی او با فرارسیدن زمان ملکوت خدا به سر می‌برده‌اند.^{۱۳} اما امت‌ها (اقوام غیر یهود) در عمل مغلوب نشدند، ملکوت خدا تحقق نیافت، زربابل به پادشاهی نرسید و تاج‌گذاری نکرد. بنابراین، آرزوی مسیحایی باید تغییر می‌کرد.

با گذشت زمان، برخی از یهودیان به ستوه آمدند و رنجیدند، به پادشاهی زمینی خدا بدبین شدند و در جست‌وجوی نجات و رستگاری از بالا و مداخله مستقیم خدا برآمدند. این موضوع، به پیدایش فرجام‌شناسی آخر زمانی انجامید که در پیش‌گویی اشعیایی دیده می‌شود.^{۱۴} در کتاب اشعیای سوم^{۱۵} این ابواب روی‌دادهای آخر زمانی را فهرست شده است:

یکم. مصیبت و طوفان عظیم؛^{۱۶}

دوم. داوری هم‌راه با علایم و نشانه‌های آسمانی؛^{۱۷}

سوم. فرارسیدن پادشاهی خدا بر کوه صهیون؛^{۱۸}

چهارم. میهمانی و ضیافت فرجام‌شناسانه (عالی و نهایی)؛^{۱۹}

پنجم. فسخ و الغای مرگ و اندوه و غم؛^{۲۰}

ششم. رستخیز مردگان؛^{۲۱}

هفتم. نابودی لویاتان (اسطوره شرک‌آمیز و مار تیزرو) و هرج‌ومرج غول (غول آشفتگی)؛^{۲۲}

هشتم. آفرینش آسمان و زمینی جدید؛^{۲۳}

نهم. بازگشت به بهشت؛^{۲۴}

دهم. کیفر ابدی برای دشمنان خدا.^{۲۵}

همین‌گونه مکاشفه یوئیل نبی درباره روز خدا نیز بر ویرانی و نابودی فراوان دلالت دارد. «خورشید و ماه و ستارگان از درخشش باز می‌ایستند.»^{۲۶} «نبرد عظیمی بر ضد همه امت‌های گرد هم آمده بر ضد اورشلیم به وقوع می‌پیوندد.»^{۲۷} «اما خدا با سربازانش فرود خواهد آمد تا بر آنها داوری کند.»^{۲۸} «در جانب مثبت، روح خدا به همه داده می‌شود.»^{۲۹}

کتاب دانیال که برای برانگیختن یهودیان مظلوم در قرن دوم پیش از میلاد نوشته شده، اشاره دارد: «به زودی، با ظهور ملکوت خدا رستگاری و رهایی قدیسان و نابودی قدرت اهریمنی و شیطنی فراخواهد رسید. دانیال، فرزند انسان را در مکاشفه دید که از میان ابرها می‌آید.^{۳۰} دانیال از نوعی پلیدی که منشأ اضطراب و اضطراب و دل‌تنگی می‌شود، سخن می‌گوید؛ زمان عذاب و مصیبتی بزرگ، رستخیز مردگان و داوری نهایی.^{۳۱} ولی دوباره ملکوت خدا فرا نرسید.»^{۳۲}

پیش‌گویان (خبردهندگان از آخر زمان)، همانند انبیا، پایانی را توقع داشتند که به دنبال آن دوره جدیدی از (فعل) نجات‌بخشی خدا فرا می‌رسد. اما این آخر زمانی‌ها این پایان را تحقق یافته دیدند. این داوری نه فقط درباره بنی‌اسرائیل بلکه درباره همه امت‌هاست؛ رستخیز مردگان و آفرینش آسمان و زمینی جدید فقط شکست دشمنان زمینی نیست، بلکه نابودی نیروهای شرّ جهانی است. بسیاری از این عناصر در فرجام‌شناسی عهد جدید نیز به چشم می‌خورد.

برخی از دانش‌مندان، برای فهم [کلمات] عیسی، به «فرجام‌شناسی سازوار» استدلال کرده‌اند. آنها معتقدند که تعلیمات فرجام‌شناسانه عیسی، آن‌گونه که در اناجیل عرضه شده، تنها به رخ‌دادهای پایانی این جهان مربوط است. در برابر آن، بنابر «فرجام‌شناسی تحقق یافته» عیسی ملکوت خدا را چنین فهمید که با آمدنش ملکوت خدا فرا رسیده است. شاید بهترین دیدگاه آن چیزی است که «فرجام‌شناسی افتتاح شده» نام دارد؛ عیسی،

طلیعه ملکوت خدا را با خودش آورد.^{۳۳} بعضی از جنبه‌های سیطره و حکومت و سلطنت خدا در وجود او حاضر بود، اما دیگر عناصر این ملکوت تا همان پایان آشکار نمی‌شود.^{۳۴} عیسی را اعلام کننده فرا رسیدن ملکوت قریب‌الوقوع خدا توصیف می‌کنند.^{۳۵} عیسی، با بیرون راندن دیوها، قدرت خود را بر شیطان نمایاند و نشان داد که این ملکوت آغاز شده است.^{۳۶} با وجود این، در آینده این ملکوت در شکل کاملش فراخواهد رسید.

در بحث فرجام‌شناسانه *انجیل متی*^{۳۷} علایمی از فرجام جهان ارائه شده است: پیامبران و منجیان دروغین (ماشیح‌های دروغین)،^{۳۸} جنگ‌ها،^{۳۹} قحطی و گرسنگی،^{۴۰} شکنجه و آزار پیروان عیسی،^{۴۱} ارتداد و از دین برگشتگی^{۴۲} و موعظه جهانی بشارت به ملکوت.^{۴۳} پیش‌گویی‌های دانیال درباره پلیدی‌هایی که موجب ویرانی می‌شود^{۴۴} و دوران مصیبت عظمی،^{۴۵} مکاشفه یوئیل نبی در باب توقف خورشید و ماه و ستارگان نیز هم‌چنین محقق خواهد شد. این علایم و نشانه‌ها، ظهور فرزند انسان (یعنی، خود عیسی) را در آسمان در پی خواهد داشت که در ابرها با قدرت و شکوه عظیم همراه با جمع شدن انسان‌های برگزیده او از سراسر زمین می‌آید.^{۴۶}

بنابر نقل اناجیل، فرجام‌شناسی عیسی رستاخیز مردگان را نیز دربر می‌گیرد و سرانجام به داوری نهایی می‌انجامد که حیات ابدی را برای درست‌کاران و کیفر ابدی را برای انسان‌های ناصالح، در پی دارد.^{۴۷}

فرجام‌شناسی پولس بر رستاخیز تأکید دارد. همان‌گونه که عیسی بار اول از مردگان برخاست، وقتی که او دوباره بیاید، پیروانش مبعوث می‌شوند.^{۴۸} خداوند، روح‌القدس را جهت ضمانتی برای رستاخیز آینده، عطا کرده است.^{۴۹} کتاب مکاشفه، آخرین کتاب عهد جدید، اثر فرجام‌شناسانه اساسی و عمده عهد جدید، از قول دانیال نقل می‌کند:

مصیبت عظیم،^{۵۰} آمدن پسر انسان^{۵۱} و رستاخیز و داوری نهایی^{۵۲} که مثل یوئیل مشتمل بر علایم خورشید و ماه و ستارگان است،^{۵۳} و نیز تأثیر اشعیای سوم را در آسمان جدید و زمین جدید می‌توان دید.^{۵۴}

آب‌های حیات‌بخش^{۵۵} و بازگشت به بهشت با درخت حیات^{۵۶} که مربوط به حزقیال بود.

نبرد فرجام‌شناسانه^{۵۷} از کتاب‌های حزقیال و یوئیل نقل شده است.

روز پیش‌گویانه پروردگار، روز عظیم خدای قادر مطلق خواهد شد.^{۵۸}

هم‌چنین کتاب مکاشفه سنت مسیحایی (که جنبه منجی‌گری هم دارد) را برمی‌گیرد و عیسی را فرزند داوود معرفی می‌کند که پادشاه غالب است.^{۵۹}

برای نویسندگان عهد جدید، پیروان عیسی میان طلوع و طلایع آغاز رسمی ملکوت خدا و به کمال رسیدن آن قرار گرفته‌اند و در این فاصله قرار است به بشارت (موعظه انجیل)، انجام کارهای نیک و تهذیب خود بپردازند.^{۶۰}

- با گذشت زمان، برخی از یهودیان به ستوه آمدند و رنجیدند، به پادشاهی زمینی خدا بدبین شدند و در جست‌وجوی نجات و رستگاری از بالا و مداخله مستقیم خدا برآمدند. این موضوع، به پیدایش فرجام‌شناسی آخر زمانی انجامید که در پیش‌گویی اشعیایی دیده می‌شود - فرجام‌شناسی پولس بر رستاخیز تأکید دارد. همان‌گونه که عیسی بار اول از مردگان برخاست، وقتی که او دوباره بیاید، پیروانش مبعوث می‌شوند.^{۴۸} خداوند، روح‌القدس را جهت ضمانتی برای رستاخیز آینده، عطا کرده است

سرزمین موعود^{۶۱}

الف) در عهد قدیم و یهودیت

وقتی خداوند ابراهیم را فرا خواند، سرزمین از چیزهایی بود که به او وعده داد.^{۶۲} هرچند این بخش از کتاب مقدس درباره ده قرن پیش از میلاد است،^{۶۳} تصریح شده که قلمرو موعود سرزمین کنعان بوده است؛ از رود مصر [نیل] تا رود فرات.^{۶۴} دیگر مرزهای معین شده برای سرزمین محدودترند.

همچنین بنابر *سفر پیدایش*، پس از ابراهیم به ذریه او یعنی اسحاق،^{۶۵} یعقوب،^{۶۶} یوسف^{۶۷} و دیگر پسران یعقوب نیز این وعده داده شده است.^{۶۸}

همچنین به روایت کتاب مقدس، این وعده در زمان موسی تجدید شد.^{۶۹} بنابر *سفر لاویان*،^{۷۰} به هر حال زمین به خدا تعلق داشت و بنی اسرائیل فقط مستأجر آن بودند. *سفر تثبیه* سرزمین [موعود] را عطیه [خدا] یاد می‌کند.^{۷۱} و آن را با عباراتی چندان اغراق آمیز توصیف می‌کند.^{۷۲} البته برای پایایی و ماندگاری در سرزمین، اطاعت از شریعت را یاد کرده است.

سفر لاویان و *تثبیه*، هر دو، خطر تبعید و پراکندگی در میان اقوام را در صورت نقض شریعت توسط بنی اسرائیل، گوش زد می‌نمایند.^{۷۳} به علاوه، به امید بازگشت مجدد به سرزمین [موعود]، باید توبه کنند.^{۷۴} بدین سان، اسفار پنج‌گانه نگرش‌هایی متفاوت را درباره سرزمین دربر می‌گیرد که زمینه‌ها و نگرش‌های تاریخی نویسندگان آنها را برمی‌تاباند؛ نگرش‌هایی که تا اندازه‌ای بر اثر رسوم باستانی خاور نزدیک مثل بخشش‌های ملوکانه سرزمین به منزله پاداش رعایای شخصی، شکل گرفته است.

آن‌گاه که یوشع کنعان را فتح کرد، با آن‌که برخی عبارات به پیروزی کامل در زمان خودش اشاره دارد،^{۷۵} با نگاه به عبارت «آرامش از جنگ»^{۷۶} و عبارات دیگر، اما از عبارات دیگر چنین برمی‌آید که فتح و استیلا آن قدرها هم سریع نبوده است. وقتی یوشع پیر شد، هنوز سرزمین‌های زیادی برای تصرف باقی مانده بود.^{۷۷} در واقع، داوود در قرن دهم پیش از میلاد فتح را کامل نمود.^{۷۸}

در حدود سال ۹۲۱ پیش از میلاد کشور اسرائیل به دو قلمرو پادشاهی تجزیه شد: اسرائیل در شمال و یهودیه در جنوب. انبیا به

دلیل گناه و عصیان مردم، آنان را به [روز] داوری هشدار می‌دادند. عاموس به ساکنان شمالی خطاب می‌کرد و آنان را از تبعید و جلای وطن برحذر می‌داشت.^{۷۹} اسرائیل، پادشاهی شمالی، در سال ۷۲۱ پیش از میلاد به دست آشوریان سقوط کرد که بسیاری اسیر و به مناطق دیگر مملکت آشور منتقل شدند.

ارمیا نیز در آخرین روزهای پادشاهی یهودیه تبعید را پیش‌بینی کرد.^{۸۰} یهودیه در سال ۵۸۷ پیش از میلاد به دست بابلیان سقوط کرد و در نتیجه، بسیاری از بزرگان به بابل تبعید شدند. کتاب *پادشاهان* که در قرن ششم پیش از میلاد نوشته شده، این دو فاجعه را چنین توضیح می‌دهد که هر دو پادشاهی به دلیل بت‌پرستی از بین رفتند.^{۸۱}

با وجود این‌که انبیا به فقدان سرزمین حکم کردند، به آن سوی فجایع و بلایا در آینده التیام‌بخش و استقرار مجدد هم توجه داشتند.^{۸۲}

یهودیان در مدت تبعید و جلای بابلی، مشتاق بازگشت به سرزمینشان بودند، اما حفظ هویت خود را بدون آن آموختند. تا زمانی که در اورشلیم نبودند و از این‌رو، نمی‌توانستند آن‌جا قربانی تقدیم کنند، دین ویژه خود را از طریق نماز و دعا، پاس داشت شبانه، ختنه و مراعات احکام خوراکی حفظ می‌کردند.

در سال ۵۳۸ پیش از میلاد کورش پادشاه ایران که یک‌سال پیش از آن بر بابلیان پیروز شده بود، به یهودیان اجازه داد که بازگردند و بنای معبدشان را در اورشلیم را از نو بسازند.^{۸۳} با این حال، همه یهودیان باز نگشتند؛ برخی در بابل به مقام و شهرتی رسیدند و جامعه‌ای را شکل دادند که قرون متمادی در آن‌جا پیش‌رفت کرده بود. آنان در سرزمین‌های آوارگی برای حمایت از معبد، کمک مالی می‌کردند. سرزمین و قربانی دادن، به حالت نخستین بازگشت و دوباره جای‌گاه و اهمیت یهودیان بالا رفت، ولی دین یهود فقط برابر با سرزمین نبود.

رومیان در سال ۷۰ میلادی دوباره معبد را ویران کردند. یهودیان یک‌بار دیگر به خارج پراکنده شدند. آنان این فاجعه را با حفظ سنت‌هایشان در هر جا که رفتند، سپری کردند. بی‌توجه خواندن یهودیت به مسئله سرزمین خطاست؛ چراکه دین‌دار یهودی روزانه دعا می‌کند که اورشلیم هرچه زود نوسازی گردد، نیز بخشی از جشن عید فصح آرزو و انتظاری برای خوردن سور در

اورشلیم و برپا کردن ضیافت در سال آینده است.

نهضت صهیونیست در اواخر قرن نوزدهم گسترش یافت. این جنبش فراوان سکولار بود و هدفش از برپایی و تشکیل سرزمین آبایی و اجدادی برای یهودیان برآوردن پیش‌گویی کتاب مقدس نبود، بلکه برپا داشتن کشوری بود که یهودیان در امنیت و ایمنی از رنج و شکنجه بتوانند در آن زندگی کنند.

ب) در عهد جدید و مسیحیت

عهد جدید به جغرافیا کم‌تر اشاره دارد، ولی تصویر سرزمین موعود در نامه پولس به عبرانیان، نمادین و سمبلیک به کار رفته است. ابراهیم الگویی برای مسیحیان است؛ درست همان‌گونه که او به علت ایمانش، در جست‌وجوی مکانی جدید دیار خود را ترک کرد. بنابراین، مسیحیان هم باید در طلب مملکت آسمانی یا شهری باشند که خدا برای آنان فراهم می‌کند.^{۸۴}

رساله پولس به عبرانیان به سرگردانی در بیابان و فتح و پیروزی نیز اشاره دارد؛ همه افراد یک نسل به دلیل تمرد، سرپیچی و بی‌ایمانی از ورود به سرزمین محروم شدند.^{۸۵} البته یادآوری این هشدار ارتدادی شبیه به آنها نیست. **عبرانیان** هم‌چنین اشاره دارد که یوشع به قوم آرامش نداد،^{۸۶} بلکه خداوند آرامش را به انسان‌های مطیع و باایمان عطا می‌کند. سپس نویسنده خوانندگان را به کسب آرامش تشویق می‌کند، البته نه با فتح سرزمین و به دنبال آن برخورداری از صلح آن‌چنان که پیش‌تر [در عهد عتیق] بیان شد،^{۸۷} بلکه با اعتماد و توکل بر اعمال خدا و دست کشیدن از اعمال خود.^{۸۸}

وطن و سرزمین در **عهد جدید**، همواره روحانی هستند. با وجود این، پولس معتقد بود یهودیانی که عیسی را ماشیح (مسیح) نپذیرفتند، از رحمت الهی بیرونند.^{۸۹} او مشتاقانه منتظر روزی بود که یهودیان به منزله یک امت به سوی خدا بازگردند و آمرزیده شوند.^{۹۰}

عیسی نیز تصریح می‌کند که انسان حلیم و بردبار، زمین را به ارث می‌برد.^{۹۱} کتاب **مکاشفه** درباره دوره هزارساله سلطنت شاهدان (شهیدان) کلیسا با مسیح، سخن می‌گوید.^{۹۲} و نیز خلق آسمانی جدید و زمینی جدید را پیش‌گویی می‌کند.^{۹۳}

با وجود این مفهوم روحانی سرزمین موعود، گاهی مسیحیان در مواقع لزوم و با ادراک و فهمی زمینی، خود را «وارثان این وعده» برشمرده‌اند.^{۹۴} دو گروه بوئرها (سفیدپوستان) آفریقای جنوبی و پوریتن‌های (پاک‌دینان) مهاجرنشین نیوانگلند، خود را اسرائیل جدید می‌بینند که توسط خدا به کنعان جدید، مزرعه مشیت الهی رهنمون می‌شوند.

- وقتی خداوند ابراهیم را فرا خواند، سرزمین از چیزهایی بود که به او وعده داد.^{۲۲} هرچند این بخش از کتاب مقدس درباره ده قرن پیش از میلاد است،^{۲۳} تصریح شده که قلمرو موعود سرزمین کنعان بوده است؛ از رود مصر [نیل] تا رود فرات

- عیسی نیز تصریح می‌کند که انسان حلیم و بردبار، زمین را به ارث می‌برد.^{۱۱} کتاب **مکاشفه** درباره دوره هزارساله سلطنت شاهدان (شهیدان) کلیسا با مسیح، سخن می‌گوید.^{۱۲} و نیز خلق آسمانی جدید و زمینی جدید را پیش‌گویی می‌کند

* کارشناس ارشد ادیان ابراهیمی، سطح ۳ مدیریت
۱. این مقاله ترجمه‌ای است از مدخل «Eschatology»
در The Oxford Companion Bible.
۲. مزامیر، ۲: ۱۱.
۳. اشعیا، ۷: ۱-۹؛ همان ۹: ۱-۱۱؛ نک: مدخل ماشیح.
۴. عاموس، ۸: ۵-۱۱.
۵. همان، ۱۴: ۲۸.
۶. همان، ۱۵: ۱-۹.
۷. اشعیا، ۴۰-۵۰.
۸. همان، ۲۱: ۴۳-۴۸؛ همان، ۲۱: ۲۰-۲۱؛ همان، ۱۱: ۹-۱۱.
۹. حزقیال، ۱۱: ۳۴-۳۶.
۱۰. همان، ۴۷.
۱۱. همان، ۲۵: ۳۶.
۱۲. همان، ۳۹: ۲۸.
۱۳. حجبی، ۹: ۶-۲؛ همان، ۳۲: ۲؛ زکریا، ۸: ۳؛ همان، ۶: ۴-۱۴؛ همان، ۱۵: ۹-۱۴.
۱۴. اشعیا، ۲۷: ۲۴.
۱۵. همان، ۵۶-۶۶.
۱۶. همان، ۱۰: ۲۴.
۱۷. همان، ۲۳-۲۱: ۲۴.
۱۸. همان، ۲۳: ۲۴.
۱۹. همان، ۶: ۲۵.
۲۰. همان، ۸: ۲۵.
۲۱. همان، ۱۹: ۲۶.
۲۲. همان، ۱۰: ۲۷.
۲۳. همان، ۱۷: ۶۵؛ همان، ۲۲: ۶۶.
۲۴. همان، ۲۵: ۶۵.
۲۵. همان، ۱۶-۱۵: ۶۶ و ۲۴.
۲۶. یونیل، ۱۰: ۲؛ همان، ۳۱: ۲؛ همان، ۱۵: ۳.
۲۷. همان، ۱۱-۹: ۳.
۲۸. همان، ۱۲: ۳.
۲۹. همان، ۲۹: ۲۸-۲۹.
۳۰. دانیال، ۱۴: ۷.
۳۱. همان، ۳: ۱-۱۲.
۳۲. همان، ۵: ۱۲-۱۳.
۳۳. متی، ۱۲: ۲۲-۲۸؛ لوقا، ۱۷: ۲۰-۲۱.
۳۴. متی، ۲۹: ۲۶؛ مرقس، ۲۵: ۱۴.
۳۵. متی، ۱۷: ۴.
۳۶. همان، ۱۲-۲۲: ۲۸؛ لوقا، ۱۱: ۲۰ و ۱۷-۲۰: ۲۱.
۳۷. متی، ۲۴-۲۵ و...
۳۸. همان، ۵: ۲۴ و ۱۱ و ۲۵-۲۳.
۳۹. همان، ۶: ۲۴-۷.
۴۰. همان، ۸: ۲۴.
۴۱. همان، ۹: ۲۴.
۴۲. همان، ۱۰: ۲۴.
۴۳. همان، ۱۴: ۲۴.
۴۴. همان، ۱۵: ۲۴؛ دانیال، ۳۱: ۱۱.
۴۵. متی، ۲۴: ۲۱؛ دانیال، ۱: ۱۲.
۴۶. متی، ۲۴: ۳۰-۳۱.
۴۷. همان، ۲۵: ۳۱-۴۶.
۴۸. قزرتیان، ۲۰: ۱۵-۲۸؛ تسالوکیان، ۱۵: ۴-۱۷.

۴۹. رومیان، ۲۳: ۸؛ افسسیان، ۱۴: ۱؛ قزرتیان، ۲۲: ۱؛ همان، ۵: ۵؛ نیز اعمال، ۲: ۲۱-۲۱.
۵۰. مکاشفه، ۱۴: ۹-۷.
۵۱. همان، ۱۴: ۱۴.
۵۲. همان، ۱۵: ۱۱-۲۰.
۵۳. همان، ۱۲: ۱۰-۱۲.
۵۴. همان، ۱۲: ۲۱.
۵۵. همان، ۱۲: ۲۲.
۵۶. همان، ۲: ۲۲.
۵۷. همان، ۱۰-۷: ۲۰.
۵۸. همان، ۱۶: ۱۴.
۵۹. همان، ۵: ۵ و ۱۱ و ۱۴: ۱۷ و ۱۱: ۱۹-۱۶.
۶۰. متی، ۲۴: ۲۴؛ همان، ۲۵: ۴۶؛ یوحنا، ۳: ۱-۳.
۶۱. این مقاله ترجمه‌ای است از مدخل «Promised Land» در The Oxford Companion Bible.
۶۲. «و خداوند ابرام را گفت: از ولایت خود و از مولد خویش و از خانه پدری خود به سوی زمینی که به تو نشان دهم، بیرون شو و از تو امتی عظیم پیدا کنم و تو را برکت دهم و نام تو را بزرگ سازم و تو برکت خواهی بود.» (پیدایش، ۱۲: ۱-۲)
۶۳. «در آن روز، خداوند با ابرام عهد بست و گفت: این زمین را از نهر مصر تا به نهر عظیم یعنی فرات به نسل تو بخشیده‌ام.» (همان، ۱۵: ۱۸)
۶۴. «هر جایی که کف پای شما بر آن گذاشته شود، از آن شما خواهد بود، از لبنان و از نهر یعنی نهر فرات تا دریای غربی، حدود شما خواهد بود.» (تثنیه، ۱۲: ۲۴)
۶۵. «در این زمین توقف نما و با تو خواهیم بود و تو را برکت خواهیم داد زیرا که به تو و ذریه تو تمام این زمین را می‌دهم و سسوگندی را که با پسر ابراهیم خوردم، استوار خواهیم داشت.» (پیدایش، ۳: ۲۶)
۶۶. «و برکت ابراهیم را به تو دهم، به تو و ذریه تو با تو تا وارث زمین غربت خود شوی که خدا آن را به ابراهیم بخشید.» (همان، ۴: ۲۸ و ۱۳)؛ «... و زمینی را به ابراهیم و اسحاق دادم، به تو دهم و به ذریه بعد از تو، این زمین را خواهم داد.» (همان، ۱۱: ۳۵-۱۲)
۶۷. «و به من گفت: هر آنچه من تو را بارور و کثیر گردانم و از تو قوم‌های بسیاری به وجود آورم و این زمین را بعد از تو به ذریه تو، به میراث ابدی خواهم داد.» (همان، ۴: ۴۸)
۶۸. «و یوسف برادران خود را گفت: من می‌میرم و یقیناً خدا از شما تفقد خواهد نمود و شما را از این زمینی که برای ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده است، خواهد برد.» (همان، ۲۴: ۵۰)
۶۹. «و من نیز چون ناله بنی‌اسرائیل را که مصریان ایشان را مملوک خود ساخته‌اند، شنیدم، عهد خود را به یاد آوردم... و شما را خواهم رسانید به زمینی که درباره آن قسم خوردم که آن را به ابراهیم و اسحاق و یعقوب بخشم. پس آن را به ارثیت شما خواهم داد. من یهوه هستم.» (خروج، ۵: ۶-۸)
۷۰. «و زمین به فروش ابدی نرود زیرا زمین از آن من

است و شما نزد من غریب و میهمان هستید.» (لاویان، ۲۳: ۲۵)
۷۱. «... و آنها را در زمینی که من به ایشان می‌دهم تا در آن تصرف نمایند، بجا آورند.» (تثنیه، ۳۱: ۵؛ همان، ۶: ۹؛ همان، ۱۷: ۱۱؛ همان، ۱۰: ۶-۱۱)
۷۲. «لایا که یهوه خدایت تو را به زمین نیکو در می‌آورد؛ زمینی پر از نهرهای آب و از چشمه‌ها و دریاچه‌ها که از دره‌ها و کوه‌ها جاری می‌شود. زمینی پر از گندم و جو و مو و انجیر و انار باشد و زمینی که پر از زیت و عسل است.» (همان، ۹: ۷-۸)
۷۳. لاویان، ۲۱: ۲۶ و ۳۳-۳۲: ۳۳؛ تثنیه، ۲۸: ۶۳-۶۴
۷۴. لاویان، ۴۲: ۲۶؛ تثنیه، ۱۰: ۳۰-۱۶.
۷۵. یوشع، ۴۰: ۱۰؛ همان، ۱۱: ۱۶-۱۷؛ همان، ۲۱: ۴۳-۴۴.
۷۶. «پس یوشع تمامی زمین را بر حسب آنچه خداوند به موسی گفته بود، گرفت و یوشع آن را به بنی‌اسرائیل بر حسب فرقه‌ها و اسباط ایشان به ملکیت بخشید و زمین از جنگ آرام گرفت.» (همان، ۱۱: ۲۳)
۷۷. «یوشع پیر و سال‌خورده شد و خداوند به وی گفت: تو پیر و سال‌خورده شده‌ای و هنوز زمین بسیار برای تصرف باقی می‌ماند.» (همان، ۱۳: ۱۰؛ داوران، ۱: ۲۱-۳۶)
۷۸. «و بعد از این واقع شد که داوود فلسطینیان را شکست داد، ایشان را ذلیل ساخت.» (سموئیل، ۸: ۲)
۷۹. عاموس، ۳: ۲۷؛ همان، ۱۷: ۷.
۸۰. ارمیا، ۱۱: ۲۵-۱۲.
۸۱. پادشاهان، ۱۷: ۱۷؛ همان، ۲۱: ۱۶-۱۶.
۸۲. عاموس، ۹: ۱۴-۱۵؛ ارمیا، ۱۶: ۱۵؛ همان، ۲۳: ۷-۸؛ همان، ۲۴: ۲۴؛ همان، ۲۹: ۱۰؛ همان، ۳۲: ۴۱؛ حزقیال، ۲۰: ۲۰-۴۲؛ همان، ۳۴: ۱۱-۱۷؛ همان، ۲۴: ۲۴؛ همان، ۳۷: ۱۲-۱۴؛ همان، ۲۱: ۲۲-۲۲.
۸۳. عزرا، ۱: ۱-۴؛ همان، ۳: ۶-۵.
۸۴. «پس برای قوم خدا آرامی سببت باقی می‌ماند؛ زیرا هر که داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارامید، چنان‌که خداوند از اعمال خویش.» (عبرانیان، ۱: ۸-۱۶)
۸۵. همان، ۱۱: ۷-۳.
۸۶. همان، ۸: ۴-۹.
۸۷. یوشع، ۲۳: ۱۱.
۸۸. عبرانیان، ۹: ۴-۱۰.
۸۹. رومیان، ۱۱-۹.
۹۰. «و هم‌چنین همگی اسرائیل نجات خواهند یافت.» (همان، ۱۱: ۲۶)
۹۱. «خوشا به حال حلیمان؛ زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد.» (متی، ۵: ۵)؛ «اما حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید.» (مزامیر، ۱۱: ۳۷)
۹۲. مکاشفه، ۲۰.
۹۳. همان، ۱: ۲۱-۴.
۹۴. «اما اگر شما از آن مسیح می‌باشید، هر آینه نسل ابراهیم و برحسب وعده، وارث هستید.» (غلاطیان، ۳: ۲۹)